

Received:2023/10/4

Accepted:2023/12/19

Vol.22/No.83/Spring2025

<https://doi.org/10.71502/mysticism.2025.1202078>

scientific quarterly journal of Islamic mysticism

erfan.eslami.zanjan@gmail.com

<https://sanad.iau.ir/journal/mysticism>

Mystical Patience in "Mantigh ut-Tair" and Asrar Nameh" written by Attar Neishaboori regarding the Holy Quran and Nahjolbalagheh

Roghayyeh Abuyasaani, Batul Fakhreslam, Reza Ashrafzadeh*

PhD Student, Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. *Corresponding Author, batol.fakhr@gmail.com

Professor, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Abstract

According to the importance of patience in various mystical works in promoting social and intellectual thoughts in the world, the Almighty Allah has mentioned mystical patience in different verses of Holy Quran. Also according to the different social and personal conditions and status of people propagated patience among various communities and different human groups. The present study is done on the basis of analytical and descriptive approaches and tries to show the important role and status of patience among the different groups and classes of people. Mystics and poets also mentioned the practice of patience in their own works. Attar, the famous Iranian poet, highly emphasizes on performing patience and also silence. He believes these two aspects of life are highly recommended in achieving "the righteousness". In his idea, he proclaims patience as true way of life (Sufism) and silence as reality and sincerity. The main purpose of the present study is to show that in spite of the fact that we are living in an extremely religious society, social conflicts and various criminal acts are so high that we need patience and silence (calmness) to reduce the amount and volume of these conflicts and harsh wild acts. Just to mentioned the high value of performing silence and patience in the society, the Almighty Allah recommends these two in many different verses of the Holy Quran as "The God is always with the patient people" and he emphasizes that these two aspects of life are the main personal characteristics of wise people all over the world.

Keywords: patience, silence, calmness, Attar, Quran, Nahj al-balagha.

فصلنامه علمی عرفان اسلامی
دوره ۲۲- شماره ۸۳- بهار ۱۴۰۴- صص: ۱۸۱-۱۹۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۸

مقاله پژوهشی

صبر عارفانه در دو منظومه منطق الطیر و اسرارنامه عطار با تکیه بر قرآن و نهج البلاغه

رقیه ابویسانی^۱

بتول فخراسلام^۲

رضا اشرفزاده^۳

چکیده

به علت نقش مهمی که صبر در تکامل معنوی و اجتماعی بشر برعهده دارد، خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم به آن اشاره نموده است. همچنین امام علی(ع) با توجه به اوضاع گوناگون فردی و اجتماعی در جامعه، بشر را به داشتن صبر فراخوانده است. این پژوهش برآن است که به روش تطبیقی- تحلیلی جایگاه صبر را در بین مردم جامعه مورد بررسی قرار دهد و به طور کلی اهمیت این موضوع را در جامعه معرفی نماید. عرfa و شعرا نیز در آثار خود به اهمیت صبر پرداخته اند. عطار یکی از شعرای بنام، به صبر و سکوت بسیار تأکید می ورزد و آن دو را بهترین راه برای وصول به حق می داند و در طریق حق آنقدر به صبر و سکوت اهمیت می دهد که صبر را برابر با طریقت و سکوت را برابر با حقیقت می داند. هدف از این پژوهش تأکید بر نقش کاربردی صبر در روابط فردی و اجتماعی انسان ها در جوامع گوناگون است. به طور کلی می توان گفت که در بینش عطار، صبر رمز و راز گذشتن از ظلمات نفس و تیرگی عالم خاک و رسیدن به سرچشمه نور، بقا و جاودانگی است.

کلیدواژه ها: قرآن، نهج البلاغه، عطار، صبر.

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. نویسنده مسئول

batol.fhakhr@gmail.com

۳- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

پیشگفتار

صبر منزلی از منازل دین و مقامی از مقامات موحدین است و به واسطه آن، بندگان در سلک مقربان احادیث داخل و به جوار ذات باری تعالی واصل می‌گردند. تا کسی مقام صبر را طی نکند، در سلوک راهی به پیش نمی‌برد و تا جرعه بلا را لاابالی‌وار سر نکشد، قطره از جام محبت نمی‌چشد. در رساله قشیریه از دو نوع صبر نام برده می‌شود: «استاد امام رحمت الله علیه گوید: صبر بر دو گونه باشد. صبر عابدان و صبر محبان و صبر عابدان نیکوتر آن بود که محفوظ باشد. و صبر محبان نیکوتر آن بود که برداشته بود.» و می‌گوید: «یحیی بن معاذ گوید: صبر محبان سخت‌تر از صبر زاهدان بود. الصَّبرُ یَجْمَلُ فِی الْمَوَاطِنِ کُلِّهَا إِلَّا عَلَیْکَ فَانَّهُ لَا یَجْمَلُ»

(قشیری، ۱۳۸۵، ۲۸۷)

هجویری در کشف‌المحجوب ذیل احوالات حسن بصری از صبر زاهدانه نام می‌برد و می‌نویسد: «اعرابی درباره صبر از حسن بصری سوال کرد و وقتی پاسخ شنید به حسن بصری گفت: از تو زاهدتر و عابدتر ندیدم. حسن بصری در مقابل این سخن می‌گوید: صبر من اندر بلا و یا اندر طاعت ناطق است به ترس من از آتش دوزخ و این عین جزع بود و زهد من اندر دنیا رقت است به آخرت و این عین رغبت بود. خنک آن که نصیب خود را از میانه برگیرد تا صبرش مر حق را بود جل جلاله نه ورا از خوف و دوزخ» (هجویری، ۱۳۸۶، ۱۳۰)

صبر از منظر عرفا عنایت الهی است و بدون اراده و مدد خدا سالک موفق به صبوری نمی‌شود. غزالی در کیمیای سعادت با ذکر داستان حضرت ایوب (ع) و ندا رسیدن به او به ده‌هزار آواز که آن از کجا بود؟ صبر را از لطف و عنایت حق می‌داند و به دشواری صبر اشاره و تصریح می‌کند که صبر نزد خدای تعالی عزیز است. پس به هر کی عنایت نکرده مگر به دوستان خود. و این نشان فضل و بزرگی صبر است و این نظر خود را به سخن پیامبر (ص) مستند می‌کند: «إِنَّ أَقْلَ مَا أَوْتِیْتُمُ الْیَقِیْنَ وَ عَزِیْمَةُ الصَّبْرِ» (غزالی، ۱۳۸۳، ۲۸۱، ۲-۱۳۱)

سهروردی نسبت به عرفای پیشین و معاصر خود نگاه متفاوتی به مقوله صبر دارد. او به صبر آگاهانه و عالمانه در طی مقامات سلوک باور دارد. و رسیدن به مقام صبر را بدون علم و آگاهی میسر نمی‌داند. و در شناخت حق تنها شهود و عرفان را کافی نمی‌داند. چنانکه می‌گوید: «دل‌های پاک وقتی که آب علم آن‌ها را آبیاری کرد، یکی از ثمره‌های آن صبر است. بدون علم درک صبر نیز امکان‌پذیر نخواهد بود و علم و صبر متعلق‌اند به یکدیگر چنانکه روح و جسد به هم و ترقی روح به صبر و علم

باشد و هبوط به مهاجرت و مفارقت ایشان و در تکمیل این سخن به کلام پیامبر استناد می‌کند که فرمود: العقل ثلاثة أجزاء جزء معرفة الله و جزء طاعة الله و جزء الصبر من معصية الله» (سهرودی ۱۳۷۵، ۱۸۲-۵)

خواجeh نصیر طوسی درباره صبر می‌گوید: «صبر حبس نفس است از جزع و بازداشتن نفس از بی-تابی در برابر ناملایمات و مصایب باطن را از اضطراب و زبان را از شکایات و اعضا و جوارح را از حرکات غیرعادی بازمی‌دارد.» (طوسی، ۱۳۶۱، ۴۱)

عرفا صبر را یکی از مقامات سلوک شمرده‌اند و در تعریف آن می‌گویند: صبر خویش‌داری و نگاه-داری نفس است از اظهار جزع و شکایت به غیر خداوند و برای آن اقسامی قائل‌اند. در لطائف‌المواقف است که صبر چهار قسم است: اول صبر بر مشقت طاعت، دوم صبر بر علم ترک معصیت، سوم شکایا بودن در فقر و فاقه و مصیبت و بلا، چهارم تحمل آزار و جفا از خلق. (سجادی، ۱۳۷۰، ۵۲۴)

صبر در عرفان و تصوف، دریافت عمیق و ژرف از احکام الهی قرآن و کلام ائمه اطهار است و این مسأله بسیار مهم شمرده می‌شود. همچنین در قرآن کریم صبر از نظر کمی در بیش از هفتاد آیه مطرح-شده است و از نظر کیفی به عنوان یک فضیلت اصیل و مهم اخلاقی به انسان‌ها به‌ویژه مؤمنان توصیه و همپایه عبادتی چون نماز معرفی شده است.

بیان مسأله

صبر از جمله مفاهیم بنیادی قرآنی است که ارتباط تنگاتنگ با حوزه تعلیم و تربیت انسان دارد، به-طوری که قرآن کریم بیش از هفتاد بار به موضوع صبر پرداخته است؛ بنابراین کثرت استفاده از واژه‌ها و کلمات هم‌خانواده با آن در قرآن کریم نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه مهم این مفهوم کلیدی است. امام علی(ع) در نهج البلاغه صبر را از ارکان ایمان می‌داند و آن را به سری بر پیکره انسان تشبیه می‌نماید. همچنین عرفا صبر را از اصطلاحات کلیدی در عرفان و ادبیات عرفانی و از مراحل و مراتب اساسی می‌دانند که سالک طریق الی الله باید بدان دست‌یابد و چنان در وجودش متمکن شود که تبدیل به مقام در وجود وی گردد. در متون نثر عرفانی فارسی با توجه به اهمیت واژه صبر، به گونه‌های مختلف به بیان نقش و جایگاه صبر در سلوک پرداخته شده است تا جایی که در برخی از آثار عرفا این مسأله به-وضوح دیده می‌شود، از جمله فریدالدین عطار نیشابوری که به مفهوم صبر با نگاه عارفانه لطافت بخشیده است.

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که بازتاب صبر با محوریت آیات قرآن مجید و فرازهای نهج البلاغه در دو اثر عطار به چه میزان و چگونه است؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

ضرورت و اهمیت پژوهش با توجه به ویژگی‌های ساختاری جامعه امروزی که کم‌صبری و شتابزدگی در آن باعث ناهنجاری‌ها و آسیب‌های عمیق رفتاری می‌شود، روشن است. بهره‌گیری از کارایی مؤلفه صبر در متون عرفانی می‌تواند نقشی سازنده در پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی داشته باشد.

پیشینه پژوهش

پژوهش و مقاله‌ای که مستقلاً به این موضوع پرداخته باشد، یافت نشده است. البته مقالات مشابهی در زمینه صبر از دید عطار با موضوعات مختلف موجود است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - عاطفه عزیزی در مقاله‌ای به نام "بررسی صبر و عشق در منطق الطیر عطار" بیانگر این موضوع است که صبر در دیدار معشوق بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است و تحمل آن برای عاشق یکی از سخت‌ترین مراتب صبر است.

۲ - ابراهیم هادی در مقاله‌ای تحت عنوان "بازتاب مفهوم قرآنی صبر در آثار عطار نیشابوری" (۱۳۹۱) به بررسی واژه صبر از دیدگاه قرآن با توجه به باورهای عطار پرداخته است.

۳ - شکر سیف‌اللهی در مقاله "تجلی صبر در منطق الطیر و مصیبت‌نامه عطار" (۱۳۹۹) به دو سفرنامه روحانی اشاره می‌کند و می‌گوید که توشه سفر چیزی جز صبر نیست و صبر است که انسان را به کمال و بارگاه احدیت می‌رساند.

جایگاه صبر در قرآن و نهج البلاغه

صبر در آموزه‌های دینی به عنوان یکی از مفاهیم ایمان شناخته می‌شود. این واژه به همراه مشتقات خود ۱۰۳ بار در قرآن به کار رفته است که نشان از اهمیت ویژه این خصیصه اخلاقی از دیدگاه دین مبین اسلام و قرآن دارد. این واژه با حفظ معنای لغوی و اصطلاحی با بسیاری از مفاهیم اخلاقی و عرفانی ارتباط معنایی پیدامی‌کند و خداوند صبر را از ویژگی صاحبان عقل توصیف می‌کند و صبر در صورتی ارزشمند است که برای کسب رضای الهی باشد.

صبر در قرآن به طور کلی به سه نوع تقسیم می‌شود که عبارت است از:

۱- صبر در برابر گناه و معصیت: خداوند انسان را به صبر و استقامت در برابر گناه و معصیت فرامی‌خواند. بنابر این صبر بر معصیت یعنی ایستادگی در برابر انگیزه‌های نیرومند و محرک گناه و منظور صبر بر معصیت آن است که انسان در طول زندگی در برابر حوادث دردناکی صبر و شکیبایی را از دست ندهد. خداوند در سوره رعد آیه ۲۴ می‌فرماید: «سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار» (سلام بر شما به سبب صبر و استقامت شما. چه نیکوست سرانجام آن سرای جاویدان) و در سوره انسان آیه

۱۲ می‌فرماید: «و جزاهم بما صبروا جنة و حریرا» (در برابر صبر ایشان بهشت و لباس های حریر بهشتی را به آنها پاداش می‌دهد). در سوره یوسف آیه ۹۰ می‌فرماید: «قالوا انک لانت یوسف قال انا یوسف و هذا اخي قد من الله علينا انه من یتق و یصبر فان الله لا یضیع اجر المحسنین» (گفتند آیا تو همان یوسفی؟ گفت: آری. من یوسفم و این برادر من است. خداوند بر ما منت گزارد. هر کس تقوا پیشه‌کند و شکیبایی و استقامت نماید، خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند).

ابوالفتح رازی در تفسیر این آیه گفته‌است: هرکسی که متقی باشد و از معاصی بپرهیزد و واجبات بگزارد و صبر کند از محارم، فان الله لا یضیع اجر المحسنین (خدای تعالی رنج نیکوکاران را ضایع نکند و مزد ایشان بدهد). (روح‌الجنان، ج ۶، ص ۴۳۴)

۲- صبر در برابر سختی‌های عبادت: خداوند در آیات متعددی پیامبر و مومنین را در برابر سختی‌هایی عبادت به صبر دعوت می‌کند. از جمله در سوره مریم آیه ۶۵ می‌فرماید: «رب السماوات و الارض و ما بینهما فاعبد و اضطبر لعبادته هل تعلم له سمیا» در تفسیر کشف‌الاسرار میبیدی در ترجمه این آیه چنین آمده‌است. صبرکن بر عبادتش دلیل است بر آن که عبادت سخت و خسته‌کننده و ملال‌آور است و مؤمن بر صبر بر آن امر شده‌است. زیرا صبر مقرون به سختی و ناخوشایند است. (کشف‌الاسرار ج ۶، ص ۷۶)

۳- صبر در برابر مصائب: خداوند در بعضی آیات قرآن مسلمانان را در برابر حوادث و رویدادهای سخت به صبر و پایداری فرامی‌خواند. مانند مرگ عزیزان، ازدست‌رفتن اموال و دارایی و پیش‌آمدن حوادثی که قلب‌ها را از خوف لبریز می‌کند و گرسنگی و فقر را به‌همراه می‌آورد و به صبر و پایداری فرامی‌خواند از جمله در آیه ۱۵۵ سوره بقره می‌فرماید: «و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابین»

به‌طورکلی، از دیدگاه قرآن صبر عامل هر نوع تکاملی در زندگی فردی و اجتماعی بشر است. لذا، می‌فرماید: «ان الله مع الصابین». به‌علت نقش مهمی که صبر در رشد و تعالی انسان برعهده‌دارد، ائمه معصومین (ع) درباره آن فراوان سخن‌گفتند و صبر را یکی از ارکان مهم ایمان و گاهی برابر با تمام ایمان دانسته‌اند. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «علیکم بالصبر فان الصبر من الایمان کالرأس من الجسد، و لا خیر فی جسد لا رأس معه و لا فی ایمان لا صبر معه» امام در جای دیگر می‌فرماید: «ان صبرت صبر الاکارم، و الا سکتوت سلو البهائم» (یا چون مردان بزرگوار شکیبا باش و یا چون چارپایان بی تفاوت باش). (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۱۳)

«و ان تصبرو خیراً لکم» میبیدی در تفسیر این آیه می‌گوید: اگر صبر کنید و به رخصت فرونیایید و مردانه در راه احتیاط روید، شما را جای نواخت هست و اگر صبر نکنید و رخصت جویید و آسانی طلب کنید، عذر هست. از آن که شما ضعیفانید! و با خود برنتوان! باری لاف مردان چه زنید و جای مردان چه گیرید؟ (کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، ص ۵۶)

هریک از عرفا از منظری خاص به مقوله صبر نگریسته‌اند. در مجموع می‌توان این دیدگاه‌ها را در سه عنوان طبقه‌بندی و معرفی کرد:

۱- صبر هدیه خداوند به انبیا و اولیاست.

۲- صبر در زمره مقامات است. غزالی نیز صبر را از مقامات دانسته‌است. وی می‌گوید: «بدان که اول مقام از مقامات، دین و یقین و معرفت است؛ پس از معرفت خوف خیزد و از خوف زهد و صبر و توبه خیزد...» (غزالی ۱۳۸۳، ۴/۲۰۹)

۳- حقیقت صبر چیست؟ قشیری درباره حقیقت صبر می‌نویسد: «استاد ابوعلی (ره) گفت: حقیقت صبر بیرون آمدن بود از بلا برحسب شدن اندر وی...» (قشیری، ۱۳۸۵؛ ۲۸۶)

عطار از عارفان و شاعرانی است که شیفته قرآن و عرفان بود و به علوم دینی از قبیل تفسیر، حدیث و روایات احاطه کامل داشت. سرتاسر آثار وی مملو از مضامین گرفته‌شده از آیات و روایات است. از این رو، در سروده‌های او که یکسره عرفانی و ایمانی است، بازتاب و تجلی کلام خدا و روایات به‌فراوانی قابل مشاهده است. وی در خلق آثار خود به شیوه‌هایی خلاف گذشتگان خود دست‌یازیده‌است. انتخاب زبان ساده و مردمی، به‌کارگیری داستان و تمثیل، بیان از زبان مردم عادی، بیان از زبان حیوانات و تحریک عواطف و احساسات مردم از روش‌های وی بوده‌است و در اشعار خود گاه مستقیم آیات را به‌کاربرده و گاه قسمتی از آن و گاه با تغییرات جزئی و بالأخره از معانی و مفاهیم آن بهره‌برده‌است.

اگر قلمرو شعر عرفانی فارسی را به‌گونه مثلی در نظر بگیریم؛ عطار یکی از اضلاع این مثلث است. و آن دو ضلع دیگر عبارتند از سنایی و مولوی. شعر عرفانی به یک اعتبار با سنایی آغاز می‌شود و در عطار به مرحله کمال می‌رسد و اوج خود را در آثار مولوی می‌یابد. زبان شعر عطار در قیاس با سنایی نرم‌تر است و حتی به زبان گفتار نرم‌تر است. فضل‌فروشی در آثار او کمتر می‌توان یافت. با بهره‌گیری از عرفان به‌عنوان ابزار ی در نگرش دینی و هدایت انسان شعر لطیف و ساده برای گفت‌وگو با اقشار مختلف بیان مسائل از زبان گروه‌های متفاوت جامعه، ذکر داستان حاکمان عادل گذشته، بیان واقعیت‌های اجتماعی از زبان دیوانگان که محدودیت نداشتند و بهره‌گیری از آیات قرآنی و گفتار بزرگان دین، حاکمان زمان خود را به رعایت اصول انسانی فراخوانده‌است. (شفیعی‌کدکنی، مقدمه بر مختارنامه، ۱۳۸۸، ۱۷)

در بینش عطار، گنجینه معرفت حق، بر اثر صبر و استقامت در برابر رنج‌ها و سختی‌ها به‌دست می‌آید و همانند عرفای دیگر صبر را رمز و راز موفقیت در تمامی مراحل سیر و سلوک دانسته‌است. از نظر وی، صبر نقش بنیادی در سیر الی الله برعهده دارد. او معتقد است انسان به‌وسیله صبر می‌تواند از محدود خود رها شود و به بی‌نهایت برسد.

عطار صبر را اینگونه تقسیم می‌کند:

- ۱- صبر و سکوت- اگر عارف تمام قوای درونی و باطنی خود را متوجه حق کند و در برابر تمایل نفس خود به سخن گفتن، صبر کند؛ زبان روح او بازمی‌شود.
- ۲- صبر در مقام طلب- عطار در منظومه منطق الطیر، حقیقت رمز و راز صبر را ثبات در سیر الی الله بیان می‌کند.
- ۳- صبر و مقام فقر- در بینش عرفانی عطار، فقر و صبر جایگاه بسیار والا دارد. وی در تمام آثار خود، درباره فقر و نقش آن در متجلی کردن صفات و قدرت‌های الهی در روح و پیوند دادن انسان با مبدأ جهان هستی صحبت می‌کند.
- ۴- صبر و مقام عشق- در بینش عطار، عشق یعنی سوز و گداز، یعنی اشک و آه، یعنی درد و رنج و فراق و هجران کشیدن. این واژه در کلام عطار رنگ و بوی حماسی دارد؛ به عبارت دیگر، به معنی شهادت است و شهادت اوج وحدت و اتحاد بین عرفان و حماسه است.
- ۵- صبر و معشوق- صبر از ندیدن معشوق، از جمله سخت‌ترین و شدیدترین انواع صبر است. به طور کلی، می‌توان گفت که در بینش عطار، صبر، رمز و راز گذشتن از ظلمات نفس و تیرگی عالم خاک و رسیدن به سرچشمه نور و بقا و جاودانگی است.

صبر در برابر سختی‌های عبادت در منطق الطیر

شیخ فریدالدین عطار نیشابوری آثار گرانبغای در عرفان و جامعه‌شناسی از خود به یادگار گذاشته است که یکی از نمونه‌های آن رمزنامه منطق الطیر است. شاعر عارف خود می‌گوید که برای عوام و خواص نوشته است تا عوام از صورت آن لذت ببرند و خواص از معنی آن بهره‌مند گردند. به دلیل دور شدن انسان‌های امروزی از ارزش‌های معنوی و روحانی و نیاز بیشتر آن‌ها به تقویت این بعد مهم زندگی، آثاری چون منطق الطیر می‌تواند نیازهای روحی و معنوی انسان را برآورده سازد. از طرفی عطار از صوفیانی است که در آثار خویش به آوردن قصه و حکایت اهتمامی خاص داشته است. هر موضوع اخلاقی و عرفانی را که می‌خواسته بیان کند، آن را با حکایتی می‌آمیخته تا آن را بهتر در ذهن شنونده بنشانند. او از بزرگانی است که تصوف را به زبان ساده در ضمن حکایات و روایات مختلف بیان می‌کند تا مردمان ساده‌دل و عامی نیز از عرفان و اخلاق و معنویت برخوردار شوند (اشرف- زاده ۱۳۷۳: ۳۱-۳۹).

در منظومه منطق الطیر، عطار در قالب داستان نمادین پرندگانی که به جست‌وجوی پادشاه خود، سیمرخ، می‌روند، رمز و راز سیر به سوی خدا و وصال به حق را بیان می‌کند. عطار در این داستان در نماد و رمز هدهد ظاهر می‌شود و با سالکان طریقت همراهی می‌کند تا بازگشتن از هفت وادی را به آنان تعلیم دهد. در بینش عطار اولین مقام عرفانی وادی طلب است و می‌گوید در طلب هم باید درد در

تو باشد و هم انتظار و اگر این دو نتواند تو را به مقصود برساند بر این هر دو صبر کن تا تو را به جایی برساند در نگاه عطار صبر راز موفقیت در طلب و رسیدن به مطلوب است.

درد بایسد در ره او انتظار
تا درین هر دو برآید روزگار
ور در این هر دو نیابی کار باز
سر مکش زنهار زین اسرار باز
در طلب صبری بیاید مرد را
صبر خود کی باشد اهل درد را
صبر کن گر خواهی و گر نه بسی
بوک جایی راهیابی از کسی

(منطق الطیر / ب ۸-۳۲۹۵)

و سپس در تمثیلی جالب به بیان این موضوع می‌پردازد و می‌گوید سالک همانند آن طفلی که در شکم است، باید تنها بنشیند و خلوت اختیار کند و از آنچه مربوط به عالم بیرون است منقطع شود و با تمام قوا متوجه درون و باطن خود باشد و همانند آن جنین که خون می‌خورد، رنج‌ها و سختی‌های ریاضت را تحمل کند و شجاعانه صبر و استقامت کند تا از زندان تن و تنگنای عالم طبیعت رها شود و به فراخنای عالم الهی برسد.

همچو آن طفلی که باشد در شکم
همچنان با خود نشین با خود به هم
از درون خود مشو بیرون دمی
نانت اگر باید همی خون خور دمی
قوت آن طفل شکم خون است و بس
وین همه سودا ز بیرون است و بس
خون خور و در صبر بنشین مردوار
تا برآید کار تو از دست کار

(همان / بیت ۳۲۹۹ به بعد)

عطار برای تعلیم صبر در برابر سختی‌ها و رسیدن به ذات محبوب حق، حکایت دیگری را نقل می‌کند و می‌گوید: «شیخ ابوسعید ابوالخیر در یک قبضی عظیم و دلی پر خون به صحرا رفت. پیری را دید که گاو خود را می‌بست. در حالی که نور از سراپای وی فرومی‌ریخت؛ ابوسعید سلام کرد و حال قبض خود را برایش گفت. پیر به او جواب داد: ای بوسعید اگر از زمین تا عرض را به جای یک‌بار، صدبار پر از ارزن کنند و پرنده‌ای هر هزار سال یک دانه برچیند تا تمام شود، با گذشت این همه سال اگر جان از درگاه حق بویی نبرده‌باشد، آن هنوز زود باشد.» در پایان حکایت عطار می‌گوید: «طلب‌کننده حق باید صابر باشد. اما هرکسی توان صبر کردن ندارد چون صبر در این راه بسیار سخت و طاقت‌فرساست.»

طالبان را صبر می‌باید بسی
طالب صابر نیوفتد هرکسی

مشک در نافه ز خون ناید پدید	تا طلب در اندرون اید پدید
صبر، خود کی باشد اهل درد را	در طلب صبری بپاید مرد را
بوکه جایی را بیایی از کسی	صبرکن گر خواهی و گرنه بسی
تا براید کار تو از درد کار	خون خور و در صبر بنشین مردوار

(همان/ بیت ۱۲-۱۰۸)

عطار در تمامی این منظومه درحقیقت رمز و راز صبر و ثبات در سیر الی الله را بیان می‌کند و می‌گوید پرندگان زیادی برای جست‌وجوی سیمرغ قدم در راه طلب نهادند و تعداد آنان آنقدر زیاد بود که مانع تابش نور خورشید به زمین می‌شد اما آن‌هایی که در برابر رنج‌ها و سختی‌های مبارزه با نفس و تعلقات نفسانی نتوانستند صبر و مقاومت کنند به تدریج از راه بازماندند و فقط سی پرنده مجروح و پرکنده که بر انواع رنج‌ها و سختی‌ها صبر کرده بودند، توانستند خود را از مهلکه هواهای نفسانی و تعلقات دنیایی رهایی دهند و با گذشتن از هفت وادی به آستان سیمرغ حضرت حق برسند.

چون شما سی مرغ حیران مانده‌اید	بی‌دل و بی‌صبر و بی‌جان مانده‌اید.
ما به سیمرغی بسی اولی‌تریم	زانکه سیمرغ حقیقی گوهریم
محو ما گردید در صد عز و ناز	تا به ما در خویش را یابید باز
محو او گشتند آخر بر دوام	سایه در خورشید گم‌شد والسلام

(منطق‌الطیر/ ب ۹-۴۲۵۶)

عطار در داستان ایاز و محمود و مرد مفلس می‌گوید مرد عشق کسی است که در هجران باشد و بتواند بر درد و رنج هجران و فراق معشوق صبر و پایداری کند.

رند گفتنش گر گدا می‌گویی‌ام	عشق بازی را ز تو کمتر نی‌ام
عشق را افلاس است در همسایگی	هست این سرمایه سرمایه‌ی سرمایگی
عشق از افلاس می‌گیرد نمک	عشق مفلس را سزد بی‌هیچ شک
تو جهان داری دمی افروخته	عشق را باید چو من دلسوخته
ساز وصل است این چه تو داری و بس	صبر کن در درد هجران یک نفس

وصل را چندین چه سازی کار و بار هجر را گر مرد عشقی پای دار

(همان/ ب ۴۰۲-۳۳۹۷)

بالاترین هدف عرفان استغراق در خداوند، یعنی اصل جهان، است. در عرفان اسلامی این وحدت عارفانه طی یک سلسله صور گوناگون عرضه می‌شود و البته نزد همه عارفان هیأت و سیمای یکسانی ندارد.

عطار می‌گوید: پیامبر در معراج خویش پس از آنکه جبرئیل از همراهی او باز می‌ماند، او خود به- تنهایی به حضور خداوند می‌رسد و به وحدت خداوند نائل می‌آید.

دو کمان قباب و قوسین ای عجب در هم افکندند از صدق و طلب

(همان/ ب ۴۲۶۶)

گر تو را پیدا شود یک فتح باب. تو درون سایه بینی آفتاب

سایه در خورشید بینی گم مدام خود همه خورشید بینی والسلام

(همان/ ب ۱-۱۱۴۰)

مولانا در مثنوی آنقدر به نقش صبر در سیر و سلوک اهمیت می‌دهد که معتقد است پیامبر بر اثر صبر توانست به آسمان عروج کند و در عرش حق را ملاقات کند.

چون فلاویزی صبرت پر شود جان به اوج عرش و کرسی بر شود

مصطفی بین که چون صبرش شد براق برکشانیدش به بالای طباق

(مثنوی ج ۲/ ب ۷۰-۱۰۶۹)

صبر در عبادت، و داشتن نفس به تحمل مشقت و سختی است. خداوند در آیات متعددی پیامبر و مؤمنین را در برابر سختی‌های عبادت به صبر دعوت می‌کند؛ از جمله اینکه در آیه ۶۵ سوره مریم می‌فرماید: «رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدُوهُ وَالصَّبْرَ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا» در تفسیر کشف الاسرار میبیدی در ترجمه این آیه آمده است که صبرکن بر عبادتش؛ دلیل است بر آن که عبادت سخت و خسته کننده و ملال آور است و مؤمن بر صبر امر شده است؛ زیرا صبر مقرون به سختی و ناخوشایند است (کشف الاسرار جلد ۶- صفحه ۷۶). خداوند در آیه ۲۳ سوره رعد می‌فرماید: «وَالَّذِينَ الصَّبْرَ وَالتَّوْبَةَ وَجَهَ رَبِّهِمْ». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «یعنی اگر صبر اختیار می‌کنند فقط و فقط به خاطر رضای پروردگارشان است. پس اگر خداوند مدحشان کرده، نه اینکه صفات ممدوحی دارند؛ بلکه مدحشان از این جهت است که این صفت ممدوح یعنی صبرشان فقط به خاطر خداست؛ آری صبری از نظر قرآن ممدوح است که به خاطر خدا باشد نه به خاطر جلوگیری از عجز و یا

عجب نفس. لذا برای اینکه بفهماند اولواللقاب در مقام عمل مستمر در صبرند و جمیع انحاء صبر را دارا هستند، فرمود: «الَّذِينَ صَبَرُوا بِتِلْكَ وَجْهِ رَبِّكَ» آنگاه برای این که دوام مراقبت ایشان را در مقام عمل برساند فرمود: «يَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ» یعنی ایشان آنقدر مراقب اعمال خود هستند که اگر احیاناً خللی در صبر یا نمازشان و یا انفاقشان واقع شود، فوراً جبران می‌کنند. خداوند به‌خاطر صبرشان چنین مقامی به آن‌ها عطا فرموده‌است و در قرآن می‌فرماید به‌خاطر استقامتی که از خودشان دارند، ملائکه در دل آن‌ها فرودمی‌آیند (طباطبایی، جلد ۱۱: ۴۷۲)

امام علی(ع) راه نجات بشریت و انسانیت را در صبر و استقامت می‌داند و می‌فرماید: «خدا رحمت- کند کسی را که چون سخن حکیمانه بشنود، خوب فراگیرد و چون هدایت‌شود، بپذیرد و دست به دامن هدایت‌کننده زند و نجات‌یابد و مراقب خویش در برابر پروردگار باشد، از گناهان خود بترسد، خالصانه گام بردارد، عمل نیک انجام‌دهد، ذخیره‌ای برای آخرت فراهم آورد و از گناهان پرهیزد و همواره اغراض دنیایی را از سر دور کند و درجات آخرت به‌دست‌آورد و با خواسته‌های دل مبارزه‌کند؛ آرزوهای دروغین را طرد کند و صبر و استقامت را مرکب نجات خود قرار دهد و تقوا را زاد و توشه آخرت قرار دهد و در راه روشن هدایت قدم‌بگذارد و از این راه فاصله‌نگیرد؛ چندروز زندگی دنیا را غنیمت‌شمارد پیش از آنکه مرگ او فرارسد و آماده‌سازد و از اعمال نیکو توشه آخرت بگیرد» (نهج- البلاغه- خطبه ۷۶- صفحه ۱۲۵)

صبر بر مصیبت در اسرارنامه عطار:

اسرارنامه منظومه‌ای است مشتمل بر صد حکایت که در ۱۸ مقاله و یک خاتمه بیان‌شده‌است. گفته- اند که شیفتگی مولانا به عطار از این کتاب شروع‌شده‌است. اسرارنامه در میان مثنوی‌های عطار تنها منظومه‌ای است که پیرنگ کلان ندارد. در این اثر نیز مثل سایر مثنوی‌ها نگاه نقادانه با لحن طنز توأم- شده تا بسیاری از بی‌عدالتی‌ها و بی‌رسمی‌های اجتماع آن روز از زبان اشخاص تمثیل، بیان‌شود. ویژگی حکایات اسرارنامه کوتاهی آن‌ها و سادگی شیوه بیان است که باعث گسترش مخاطبان وی شده‌است. عطار قصد داستان‌پردازی ندارد و نقل حکایات ابزار بیان اوست. این حکایت‌ها تصویر احوال و عادات و شیوه سلوک جامعه عصر عطار را نشان‌می‌دهند. (پورنامداریان ۱۳۷۵، ۲۵۴)

صبر بر مصیبت: هیچ بنده مؤمنی نیست که مصیبت نبیند. دنیا محل بلا و مصیبت است و صبر در بلیات و مصیبت‌ها انسان را به وادی رضا می‌کشاند که از مقامات والای به حقیقت رسیدگان است در عرفان و تصوف نهایت کمال رسیدن به مقام انسان کامل است که مستلزم صبر در برابر سختی‌های سیر و سلوک و مبارزه با نفس است که بخش مهمی از کتب عرفا به صبر اختصاص دارد و معتقدند که اگر عارف تمام قوای درونی و باطنی خود را متوجه حق کند و در برابر تمایل نفس خود به سخن‌گفتن، صبر کند زبان روح او باز می‌شود و اسرار و رموز عالم غیب را بیان می‌کند. شیخ فریدالدین عطار در

اسرارنامه به صبر و سکوت بسیار تأکید می‌ورزد و آن دو را بهترین راه برای وصول به حق می‌داند و در طریق حق آنقدر به صبر اهمیت می‌دهد که صبر را برابر با طریقت و سکوت را برابر با حقیقت می‌داند.

بدان این جمله را خاموش و بنشین زبان در کام کش وز جوش بنشین
صبری پیشه‌کن اینک طریقت خموشی پیشه‌گیر اینک حقیقت
(اسرارنامه/ ب ۵-۳۱۳۴)

عطار معتقد است فروتنی انسان را پاک می‌کند و سکوت و همیشه به خداوند اندیشیدن و صبر بر آن‌ها موجب می‌شود که انسان به حق پیوندد و دائماً با او مصاحب و همراه باشد.

چنان خواهم که همچون خاک گردی مگر در زیر پای خاک گردی
چو خاک راه خواهی شد از این پس چو خاک راه شو در پای هرکس
فروتن شو، خموشی گیر پیشه بدین هر دو صبری کن همیشه
تو را می‌صبر باید کرد حاصل که گفت: الصبر مفتاح القلائل
گرت باید به مردم تازه‌جائی خرد مگذار یاد او زمانی
صبری کن ز حق اندیش پیوست که با حق باشی و با خویش پیوست
(اسرار نامه/ ب ۵-۳۱۷۰)

عطار معتقد است اشک ریختن در هجران و فراق معشوق و صبر بر آن موجب تعالی و کمال عشق می‌شود و همانند ابری به عشق طراوت و زیبایی می‌بخشد و بوستان دل عاشق را سرسبز و شکوفا می‌کند. انتظار کشیدن برای معشوق به نظر عطار خیلی زیباتر و بهتر از ملک و دارایی است و معتقد است که اگر در بطن عشقی انتظار نباشد، در وجود معشوق ارزشی نمی‌ماند. او باور دارد اگر آسان به معشوق دست‌یابی، لذت رسیدن به او را در نمی‌یابی پس صبر است که عشق را جلا می‌دهد.

علاج عشق اشک و صبر باید گل ارچه تازه باشد ابر باید
خوشی عاشقان از اشک و صبر است همه سرسبزی بوستان ز ابر است
اگر عاشق نماندی در جدایی نبودی عشق را هرگز روایی
اگر معشوق آسان دست‌اری کجا این لذت پیوسته داری
اگر در عشق نبود انتظاری نماند رونق معشوق باری

دمی در انتظار همدم دل بسی خوشتر بود از ملک حاصل

(اسرارنامه/ ب ۶-۵۹۱)

عطار به پیروی از نجم‌الدین کبری، در آثار خود به صبر و سکوت بسیار تأکید می‌ورزد و آن دو را بهترین راه برای وصول به حق می‌داند و می‌گوید کسی که به این موضوع اعتقاد ندارد، حتی اگر مانند شیری شجاع و قوی باشد، مانند موری ضعیف خواهد بود.

چو شناسی سر مویی ز اسرار به نادانی چه گردی گرد این کار

تو را خاموشی و صبر است راهی نخواهی یافت به زین دستگاهی

مکن با سر این معنی دلیری که چون موری شوی گر نره‌شیری

(اسرارنامه/ ب ۶-۳۱۳۴)

عطار حکایتی را نقل می‌کند که در آن مردی تهی‌دست که شبی سرد و زمستانی را در تنوری به- سربرده با پادشاهی که لباسی از پوست سمور بر تن دارد، مناظره می‌کنند و در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که حرص و طمع اصل و ریشه همه بدبختی‌ها و مایه سقوط و انحطاط بشر است؛ روش مردان حق قناعت و صبر در مقابل تمایل نفس به دنیا و مقاومت در برابر حرص و طمع است.

عزیزا در بن این دیر گردان صبوری و قناعت کن چو مردان

به مردی صبرکن، برجای بنشین به سر می‌درملو وز پای بنشین

حکیمی در مثل رمزی نموده‌ست که صبر اندر همه کاری ستوده‌ست

همه خذلان مردم از شتاب است خرد را این سخن چون افتاب است

شتاب از حرص دارد جان مردم نگه‌کن حرص آدم بین و گندم

(اسرارنامه/ ب ۶۲-۱۵۸)

در بینش عطار، صبر در مقابل رنج‌ها و سختی‌های عشق موجب می‌شود حجاب‌های مادی و نفسانی از مقابل چشم و روح عارف کنار زده شود و او از طریق مکاشفه روحانی، به عالم غیب و رمز و رازهای نهفته و پنهان آفرینش آگاهی‌یابد.

به‌طور کلی، در نگاه عطار صبر رمز و راز گذشتن از ظلمات نفس و تیرگی عالم خاک و رسیدن به سرچشمه نور و بقا و جاودانگی است. استقامت و پایداری درمقابل این رویدادها که در عرفان و تصوف ابتلا یا الطاف خفیه پروردگار نامیده می‌شود و موجب شکفته شدن استعدادها و قدرت‌های نهفته روح می‌گردد و انسان را به خدا یا منبع کمال پیوند می‌دهد و از نظر عرفا بزرگترین مصیبت، رویدادهای

سخت و ازدست دادن اموال و دارایی و پیش آمدن حوادث نیست، بلکه دوری و فراق از خداوند متعال است.

صبر برای عامه سخت ترین منزل، برای اهل محبت مخوف ترین مقام و برای موحدین نازل ترین موقف است و بر سه درجه است:

درجه اول از صبر، صبر از معصیت است که برای بقا، ایمان و دوری از عذاب است و با مطالعه و عبد الهی بودن حاصل می شود. در این مقام اگر موجبات صبر انفعال و شرمندگی باشد و حیا از حق موجب شود که سالک از معاصی کناره گیری نماید. این نحوه صبر عالی تر است. درجه دوم از صبر، صبر بر طاعت است که به محافظت طاعت، رعایت طاعت و به تحسین طاعت حاصل است. تحسین طاعت به علم رعایت طاعت به اخلاص و محافظت به دوام طاعت است. درجه سوم از صبر، صبر در بلایا و مصائب است که برای رسیدن به حسن جزاء الهی است. تحمل این صبر با انتظار فرج از طرف حق متعال سهل و آسان می گردد. سبک گردانیدن مصائب و سهل شمردن آن ها با یاد خداوند و متذکر شدن نعم بی پایان اوست؛ آن که متذکر حق تعالی است زیر بار مصائب احساس ناراحتی نمی کند.

در رساله قشیریه آمده است: کسی را از صبر پرسیدند سخن در آن همی گفت کژدمی بر پای وی افتاد و در وقت چندباره بزد. وی ساکت بود، گفتند یا شیخ چرا دور نکردی از خود. گفت از خدای شرم داشتم که اندر صبر سخن گویم و صبر نکنم. (قشیری، ۱۳۸۵، ص ۲۸۵)

ابونصر سراج می گوید: مردی از شبلی پرسید کدام صبر بر صابرين سخت تر است؟ شبلی گفت: «صبر فی الله» مرد گفت: «نه» گفت: «صبر لله» مرد گفت: «نه» گفت: «صبر مع الله» مرد گفت: «نه» شبلی غضبناک شد و به مرد گفت: «پس چه صبری است؟» مرد گفت: «صبر عن الله» شبلی فریاد برآورد آن چنان که نزدیک بود روح از بدنش مفارقت کند. (المع فی التصوف- ۵۰)

قرآن کریم در این خصوص می فرماید: «وَهَلْ أَتَاكَ خَلِیْثٌ مُّوسَىٰ. إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجَلٍ عَلَى النَّارِ هُدًى» (و آیا خبر موسی به تو رسید/ هنگامی که آتشی دید پس به خانواده خود گفت درنگ کنید زیرا من آتشی دیدم، امید که پاره ای از آن برای شما بیاورم یا در پرتو آتش راه [خود را باز] یابم) (سوره طه، آیه ۹ و ۱۰) در تفسیر این دو آیه میبیدی می گوید: «اشتیاق به معشوق صبر و قرار عاشق را می سوزاند و در آتش ها تفاوت است. آتش شرم، آتش شوق و آتش مهر. آتش شرم تفرق سوزد، آتش شوق صبر سوزد و آتش مهر دوگیتی سوزد تا جز از حق نماند.» (کشف الاسرار- ج ۶- ص ۱۱۲)

خداوند کریم در جای دیگر قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (ای کسانی که ایمان آورده اید از شکیبایی و نماز یاری جویید زیرا خدا با شکیبایان است) (سوره بقره، آیه ۱۵۳)

رشیدالدین میبیدی در تفسیر این آیه شریفه قرآن می‌فرماید: «صبر بر بلا، صبر عاشقان است. محبان و عاشقان بر بلای عاشقان صبر می‌کنند. و این صبر موجب می‌شود انسان به علم فراست برسد. و صبر بر سه قسم است: ۱- اصبروا، یعنی صبر بلاست؛ ۲- صابروا، یعنی صبر از مصیب است؛ ۳- رابطوا، یعنی صبر بر طاعت است. صبر بر بلا صبر محبان است، صبر از معصیت صبر خائفان است و صبر بر طاعت صبر راجیان است. محبان صبر کنند بر بلا تا به نور فراست رسند. خائفان صبر کنند از معصیت تا به نور عصمت رسند.» (کشف الاسرار ج ۱ ص ۲-۴۲۱) و همچنین در تفسیر این آیه در رساله قشیریه آمده است: «از استاد ابوعلی شنیدم که گفت صابران فیروزی یافتند به عز هر دو سرای زیرا که از خدای معیت یافته اند چنان که گوید: «ان الله مع الصابرين» و در معنی این آیه گویند اصبروا و صابروا و رابطوا فروتر از مصابره باشد و مصابره فروتر از مرابط باشد و گفتند در معنی و تفسیر این آیه که صبر کنید به تن در طاعت خدای تعالی تا صابر باشید و به دل بر بلوی صبر کنید به تن در طاعت خدا تعالی تا صابر باشید و به دل بر بلوی صبر کنید تا مصابر باشد و به سر خویشتن بسته دارید بر شوق به خدایی تا مرابط باشد که اگر تو را بکشد شهید باشی و اگر زنده مانی عزیز باشی (ترجمه رساله قشیریه / ص ۲۸۲)

امام علی (ع) در خطبه ۲۰۲ نهج البلاغه می‌فرماید: «درود بر تو ای فرستاده خدا از من و دختری که در کنارت آرمیده، و زودتر از دیگران به تو رسیده. ای فرستاده خدا! مرگ دختر گرامی‌ات عنان شکیبایی از کفم گسلانده، و توان خویشنداری‌ام نمانده است.

اما برای من که سختی جدایی تو را دیده و سنگینی مصیبت را کشیده‌ام جای تعزیت است نه هنگام تسلیت. تو را بالین ساختم در آنجا که شکاف قبر تو بود، و جان گرامی‌ات میان سینه و گردنم از تن مفارقت نمود. همه ما از خداییم و به خدا بازمی‌گردیم. امانت بازگردید، و گروگان به صاحبش رسید. کار همیشگی‌ام اندوه است و تیمارخواری، و شب‌هایم شب‌زنده‌داری. تا آنکه خدا خانه‌ای را که تو در آن به سر می‌بری، برایم گزیند و این غم که در دل دارم فرونشیند. زودا دختری تو را خبر دهد که چه‌سان امتت فراهم‌گردیدند، و بر او ستم‌ورزیدند. از او پرس چنانکه شاید و خبرگیر از آنچه باید، که دیری نگذشته و یاد تو فراموش نگشته. درود بر شما، درود آن که بدرود گوید نه که رنجیده‌است و راه دوری جوید. اگر بازگردم نه از خسته‌جانی است، و اگر بمانم نه از بدگمانی است، بلکه امیدوارم بدانچه خدا شکیبایان را وعده داده و پاداشی که برای آنان نهاده.» (شهیدی، خطبه ۲۰۲)

امام علی در نهج البلاغه می‌فرماید: «گفتم ای رسول خدا مگر جز این است که در روز اُخْد که گروهی از مسلمانان به شهادت رسیدند و شهادت نصیب من نشد و سخت بر من گران آمد تو به من فرمودی ای علی مژده باد تو را که شهادت در پی تو خواهم در آمد رسول خدا به من فرمودند همانا این بشارت تحقق می‌پذیرد در آن هنگام صبر تو چگونه است. گفتم ای رسول خدا چنین موردی جای صبر و شکیبایی نیست بلکه جای مژده شنیدن و شکرگزاری است.» (خطبه ۱۵۶)

امام علی (ع) به کمیل بن زیاد نخعی در فرازی از دعا می‌فرماید: «فکیف اصبر علی فراقک» چگونه بر فراق و دوری از تو صبر توانم کرد. گیرم آنکه به حرارت آشت شکیبا باشم چگونه چشم از لطف و کرمات توام پوشید یا چگونه در آتش دوزخ آرام گیرم با این امیدواری و یا اگر با زبان گویا مرا در دوزخ بگذاری من در میان اهل آتش مانند دادخواهان ناله می‌کنم و بسی فریادمی‌زنم مثل اینکه عزیزی گم کرده از فراق تو.

نتیجه‌گیری

بدون تردید عطار در اعماق آیات قرآنی غور کرده و از اقیانوس بی‌کران آن بهره‌برده است. تمام اشعار و حکایات و تمثیلاتی که عطار در آثار خود بر آن تکیه دارد منبعث از آیات قرآن و مفاهیم عرفانی نهج البلاغه است. تأثیر قرآن و نهج البلاغه در دل و جان او اثر می‌گذارد و او را به مقام والا می‌رساند. از این رو، واکاوی در اندیشه عطار در دو منظومه منطق الطیر و اسرارنامه به این مطلب می‌رسیم که صبر همچون مقامی از مقامات عرفانی محسوب می‌شود. عطار در منظومه منطق الطیر در قالب داستان نمادین پرندگانی که به جستجوی پادشاه خود سیمرغ می‌روند، رمز و راز سیر به سوی خدا را بیان می‌کند و می‌گوید پرندگانی که در برابر رنج‌ها و سختی‌های مبارزه با نفس و تعلقات نفسانی نتوانستند صبر و مقاومت کنند، به تدریج از راه بازماندند و فقط آن‌هایی که بر انواع رنج‌ها و سختی‌ها صبور بودند، توانستند خود را از مهلکه هواهای نفسانی و تعلقات دنیایی رهایی دهند و به آستان حضرت حق نائل گردند. عطار در منظومه اسرارنامه معتقد است راز و رمز رسیدن به نهایت کمال صبر است او می‌گوید اشک ریختن در هجران و فراق معشوق و صبر بر آن موجب تعالی و کمال عشق می‌گردد و همانند ابری به عشق طراوت و زیبایی می‌بخشد و بوستان دل عاشق را شکوفامی‌کند.

به طور کلی، می‌توان گفت که در کلام عطار، صبر رمز و راز گذشتن از ظلمات نفس و تیرگی عالم خاک و رسیدن به سرچشمه نور و بقا و جاودانگی است.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه ۱۳۸۵ ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۳- _____، ۱۳۹۸، ترجمه سید جعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴- اشرفزاده، رضا (۱۳۷۳)، تجلی رمز و روایت در شعر عطار، تهران، اساطیر.
- ۵- پورنامدaran، رضا (۱۳۷۵)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶- رازی، شیخ ابوالفتح (۱۳۸۲)، روض الجنان و روح الجنان، ج ۱ و ۲، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
- ۷- سجادی، سیدجعفر (۱۳۸۶)، فرهنگ و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران، انتشارات طهوری
- ۸- سراج‌طوسی، ابونصر (۱۳۸۸)، المع فی التصوف، آلن نیکلسون، ترجمه: مهدی مجتبی، تهران، اساطیر
- ۹- سهروردی، شهاب‌الدین ابوحفص (۱۳۷۵)، عوارف المعارف، ترجمه ابومنصور بن عبدالله واحد اصفهانی به‌اهتمام قاسم انصاری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۰- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۳)، تفسیر المیزان، ج ۱۱، قم، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی قم.
- ۱۱- طوسی، نصیرالدین (۱۳۶۱)، اوصاف الاشراف، تهران، انتشارات هدا.
- ۱۲- عطار نیشابوری، فریدالدین محمدبن ابراهیم (۱۳۳۸)، اسرارنامه، تصحیح سیدصادق گوهرین، تهران، زوار.
- ۱۳- _____ (۱۳۸۶)، مختارنامه، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن.
- ۱۴- _____ (۱۳۸۵)، منطق‌الطیر، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن.
- ۱۵- غزالی طوسی، ابوحامد امام محمد (۱۳۸۳)، کیمیای سعادت، به‌کوشش حسین خدیوچم، چ ۱۱، تهران، علمی فرهنگی.
- ۱۶- قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۳۸۵)، رساله قشیریه، مترجم ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۷- میدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۳۸)، کشف الاسرار و عدة‌الابرار، به‌اهتمام علی‌اصغر حکمت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۸- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۸۶)، مثنوی معنوی، به‌تصحیح عبدالکریم سروش، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.